



جایزه‌ای برای نویسنده فلسطینی

یاسمین زاهر، روزنامه‌نگار فلسطینی جایزه ۲۰ هزار پوندی «دیلن توماس» را که به نویسندگان ۳۹ ساله یا جوان‌تر اعطا می‌شود، برای نگارش رمان نخست خود با عنوان «سکه» دریافت کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر به نقل از گاردین نوشت، به گفته نامیتا گوکله، نویسنده و رئیس هیئت‌داوران، رمان «سکه» که با اجماع کامل داوران انتخاب شد، «رمانی بدون مرز است که با لحظاتی جسورانه و شاعرانه از عجایب و طنز، به تروما و اندوه می‌پردازد». زاهر، متولد ۱۹۹۱ در بیت‌المقدس، در دانشگاه بیل در رشته مهندسی زیست‌پزشکی تحصیل کرده و نوشتن خلافت‌ها را در مدرسه نیواسکول آموخته است، جایی که از کیتی کیتامورا، رمان‌نویس راهنمایی می‌گرفت. جایزه «دیلن توماس» که توسط دانشگاه سوانسی بنیان‌گذاری شده است، از سال ۲۰۰۶ به‌عنوان یکی از گران‌ترین جوایز ادبی جهان شناخته می‌شود. این جایزه به آثار چاپ‌شده به زبان انگلیسی از نویسندگان نوقلم ۳۹ سال به پایین تعلق می‌گیرد و گونه‌های ادبی رمان، شعر و نمایشنامه را در بر می‌گیرد.



بیست‌وسومین حراج تهران

مراسم بیست‌وسومین حراج تهران پنجشنبه یکم خردادماه ۱۴۰۴ در هتل پارسیان آزادی تهران برگزار می‌شود. افتتاحیه نمایشگاه آثار حراج تهران سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت‌ماه از ساعت ۱۷ الی ۲۱ است و بازدید عمومی نیز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه از ساعت ۱۱ الی ۲۱ صورت می‌گیرد. در این حراجی که به ارائه آثار هنر مدرن و معاصر ایران اختصاص دارد، کارهایی از حسین زنده‌رودی با برآورد قیمت ۱۲ تا ۱۴ میلیارد تومان، مسعود عربشاهی ۹-۸ میلیارد تومان، پرویز کلانتری ۷-۶ میلیارد تومان، سیراک ملکونیان ۶-۵ میلیارد تومان، پرویز تناولی ۷-۶ میلیارد تومان، سه‌پند حسامیان ۱۰-۹ میلیارد تومان، منیر فرمانفرمایان ۸-۷ میلیارد تومان، آیدین آغداشلو ۶-۵ میلیارد تومان و کوروش شیشه‌گران ۶-۷ میلیارد تومان قابل مشاهده است. مجموعه حراج تهران در سال ۱۳۹۱ شکل گرفت و آن‌طور که گفته می‌شود، هدف خود را معرفی بهترین نمونه‌های هنر مدرن و معاصر ایران به مجموعه‌داران هنری و مخاطبان جهانی می‌داند.



تأثیر ترامپ بر صنعت فیلم

کریستن استوارت، بازیگر آمریکایی که با نخستین فیلم بلندش به جشنواره کن آمده است، تأثیر دونالد ترامپ بر صنعت سینما را «وحشتناک» توصیف کرد و گفت، باید بدترین‌ها را انتظار داشته باشیم. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، این بازیگر که نخستین تجربه کارگردانی خود را با عنوان «تاریخچه آب» در جشنواره کن ارائه کرده است، در پاسخ به سؤالی درباره تأثیر تعرفه‌های پیشنهادی ترامپ بر صنعت فیلم گفت: «ما هر روز درباره‌اش صحبت می‌کنیم، اینکه چه خواهد شد؟ نه اینکه قبل از این خطرناک نبود، اما حالا در شکلی بسیار عینی، سایه ترامپ تیره و بسیار تاریک است. باید بدترین‌ها را انتظار داشته باشیم و برای بهترین‌ها بجنگیم». «تاریخچه آب» اقتباسی از خاطرات لیدی بوکنویچ است که در کودکی توسط پدرش مورد سوءاستفاده قرار گرفت، سپس موفق شد با بورسیه دانشگاهی وارد کالج شود، اما مسیر زندگی‌اش از کنترل خارج شد.

سینمای جهان

اعتیاد به جزئیات کوچك انسان

مروری بر آثار، سبک فیلمسازی و جهان بینی هنری **جیمز فولی** کارگردان پرکار هالیوودی که چند روز پیش در ۷۱ سالگی درگذشت



عکس: PA



مسعود شاه‌حسینی خبرنگار گروه فرهنگ

سال آخر دانشجویی‌اش را پشت‌سر می‌گذاشت که به یک مهمانی دانشجویی رفت و از آن به‌بعد مسیر زندگی‌اش عوض شد. هال شلبی، فیلم‌اش را دیده بود، از استعدادش خوش‌اش آمده بود و از او خواسته بود فیلمنامه‌ای برای شرکت‌اش بنویسد. این شروع کار جیمز فولی است. کارگردانی که ۷۱ سال عمر کرد، تعداد زیادی فیلم و سریال ساخت. او را به‌عنوان نماد اخلاص هنری در سینمای می‌شناسند.

جیمز فولی در ۲۸ دسامبر ۱۹۵۳ در بروکلین نیویورک، متولد و در استانتن آیلند بزرگ شد. پدرش وکیل بود و مادرش خانه‌دار و همین محیط خانوادگی سنتی تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری شخصیت او داشت. او ابتدا قصد داشت روانشناس شود و به همین دلیل در دانشگاه ایالتی نیویورک در بوفالو در رشته روانشناسی تحصیل کرد و در سال ۱۹۷۸ فارغ‌التحصیل شد. اما علاقه‌اش به داستان‌سرایی و هنر بصری، او را به سمت سینما کشاند. این شد که در دانشگاه جنوب کالیفرنیا (USC)، که آن دوران یکی از معتبرترین مراکز آموزش فیلمسازی بود، ثبت‌نام کرد و مدرک کارشناسی‌اش را در حوزه مطالعات و تولید فیلم گرفت.

▼ خلق فضاهای تاریک و پرتنش

جیمز فولی در سال ۱۹۸۴ با فیلم «بی‌پروا» (Reckless)، پا به دنیای کارگردانی گذاشت؛ فیلمی با مضمون‌های عاشقانه که حاشیه‌های زیادی هم درست کرد. او بعدها گفت که چالش‌های فیلم بی‌پروا آبدیده‌اش کرده و به او آموخته‌چطور هم با فشارهای صنعت سینما کنار بیاید، هم دیدگاه هنری خود را حفظ کند.

تجربه این فیلم فولی را مصمم کرد که سینما را جدی‌تر بگیرد. دو سال بعد فیلم جنایی «از فاصله نزدیک» (At Close Range) را ساخت که شان پن و کریستوفر والکن در آن بازی می‌کردند و داستانی بود درباره رابطه پرتنش پدر و پسری در دنیای جرم و جنایت؛ فیلمی با فضایی وهم‌آلود که با تک‌آهنگ مدونا - خواننده پرطرفدار آن روزها - تقویت شده بود، گذشته از اینکه نقطه شروع رابطه حرفه‌ای و شخصی نزدیک‌اش با شان پن هم بود و توانایی‌اش در خلق فضاهایی تاریک و پرتنش را نشان داد. همین سبک فیلمسازی بعدها به امضای او تبدیل شد. از فاصله نزدیک در جشنواره بین‌المللی فیلم برلین همان سال به نمایش درآمد و منتقدان تحسین‌اش کردند. راجر ایبرت در نقد خود بر این فیلم نوشت: «فولی با دقت و ظرافت، تنش‌های خانوادگی و جنایی را به تصویر می‌کشد.»

جیمز فولی در سال ۱۹۹۰ فیلم «پس از تاریکی، عزیزم» (After Dark, My Sweet) را کارگردانی کرد؛ یک نئونوار فراموش‌نشده‌ی که ماجراهایش در بیابان‌های کالیفرنیا می‌گذرد و درباره یک بوکسور پریشان‌حال فراری از بیمارستان روانی است که در دام نقشه آدم‌ربایی گرفتار می‌شود. فولی با نورپردازی اکسپرسیونیستی و شخصیت‌پردازی لایه‌لایه، اثری خلق کرد که هرچند در گیشه ناکام ماند، اما به‌عنوان یک اثر خالص ژانری در یادها ماند. فولی «پس از تاریکی، عزیزم» را با رئالیسمی احساسی و زیبایی‌شناسی خاص آمیخت و همین هم موجب شد که منتقدان آن را اقتباسی تقریباً بی‌نقص از اثر مکتوب خواندند. درست مثل همان چیزی که خواننده هنگام خواندن کتاب اصلی می‌فهمد و حس می‌کند.

▼ محدودیای تناتر و فیلم

با این چندفیلم، دیگر مشخص شده بود که فولی کارگردانی است که استانداردهای پس‌تزیلرهای روانشناختی برمی‌آید. فولی در سال ۱۹۹۲ با فیلم «کلن‌گری کلن‌راس» وارد دنیای سرد و بی‌رحم املاک‌شد. یک کمدی درام سیاه‌آمریکایی با دیالوگ‌های تیز و گزنده و بازی‌هایی پرشور که نشان می‌دهد برای موفق شدن در دنیای املاک باید خون و عرق ریخت. فیلمی اقتباسی از نمایشنامه برنده جایزه پولیتزر، دیوید ممت، با بازیگرانی چون آل پاچینو، جک لمون و الک بالدوین. فیلم دوروز از زندگی چهار فروشنده‌ی املاک و مستغلات و ناامیدی فزاینده‌ی آن‌ها را به تصویر می‌کشد، زمانی که دفتر مرکزی یک مربی انگیزشی را با این تهدید می‌فرستد که همه فروشندگان به‌جز دوفر برتر، ظرف یک‌هفته اخراج خواهند شد. کارگردانی فولی، ماده‌نمایشی محدود به صحنه‌راه یک شاهکار سینمایی تبدیل کرد و برای پاچینو نامزدی اسکار و نامزدی شیر طلایی در جشنواره‌ی فیلم ونیز را به ارمان آورد. با همین فیلم بود که منتقدان نوشتند که او مرز میان تناتر و سینما را محو کرده است. این فیلم نه‌فقط یک درام تجاری، که ترسیم موقعیت‌مواجهه انسان با دو حس درونی رقابت‌پذیری و طمع است و فولی هم با کارگردانی دقیق و جزئی‌نگر خود، هر صحنه را به‌میدانی برای نبرد این دو حس تبدیل کرده است.

▼ دروازه‌ورود به تریلرهای روانشناختی

او سال ۱۹۹۶ مضامینی چون عشق کورکورانه، وسواس و خشونت را محور فیلمی به‌نام «ترس» (Fear) قرار داد. داستان فیلم درباره دختر نوجوان یک خانواده ثروتمند است که زندگی به‌ظاهر بی‌نقصی دارد، اما وقتی با یک مرد جوان جذاب و مرموز وارد رابطه می‌شود، همه چیز به‌هم می‌ریزد. فیلم پس از اکران با بی‌تفاوتی عجیب منتقدان مواجه شد اما خیلی زود ورق برگشت